خبر

سپاه رادار سایت پدافندی آمریکا در بحرین را زد

در ادامه سرکوب توان نظامی آمریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور توسط نیروهای مسلح رادار سایت پدافندی آمریکا در پایگاه بالگردی الرفاع بحرین با شش فروند پهپاد سپاه مورد هدف قرار گرفت.
روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: ملت شریف و همیشه در صحنه ایران؛ در دومین مرحله از پاسخ قاطع و کوبنده به تجاوز آشکار ارتش ایالات متحده، رادار سایت پدافندی آمریکا در پایگاه بالگردی الرفاع بحرین با شش فروند پهپاد نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هدف قرار گرفت.
در این بیانیه با تاکید بر این‌که اصابت دقیق و موفق این پهپادها در مناطق مختلف بحرین شنیده شد و بار دیگر توانمندی عملیاتی سپاه را به رخ کشید، آمده است: ایالات متحده که در برنامه به ظاهر اسکورت و درواقع قاچاق نفت در تنگه هرمز با شکست کامل روبه‌رو شده است، اکنون می‌کوشد با اقدامات کوچک و کور، توجه جهانی را از واقعیت بسته بودن این شاهراه حیاتی منحرف سازد اما افسران نخبه و جوان سپاه بار دیگر با صدای رسا اعلام می‌کنند؛ تنگه هرمز بسته است و هرگونه تجاوز دشمن آمریکایی با پاسخی سخت‌تر و کوبنده‌تر روبه‌رو خواهد شد.
سپاه در این بیانیه به سرنگون متوالی پهپادهای گران‌قیمت آمریکایی و همین‌طور روانه شمار بیشتری از پهپادهای سپاه در این مرحله نسبت به مرحله پیشین به‌سوی اهداف آمریکایی تاکید کرده است: دشمن بداند که هر تجاوزی، پاسخی سخت و محاسبه‌شده در پی دارد.

خبر

رئیس جمهور:

دانشگاه‌ها برای مسائل مهم کشور راهکار بدهند

رئیس جمهور در جلسه آسیب‌شناسی و ارزیابی عملکرد ملی و استراتژیک کشور با موضوع علم‌وفناوری اظهار داشت: دانشگاه‌ها می‌توانند و باید با استفاده از ظرفیت بالای نخبگان، متخصصان و کارشناسان خود برای حل مشکلات کشور وارد عرصه شوند و راهکار علمی ارائه دهند. دکتر مسعود پزشکیان در همین راستا به اقدامات و تلاش‌های انجام شده در دانشگاه تهران در زمینه حل بحران آب در کشور اشاره کرد و افزود: دیگر دانشگاه‌های کشور نیز می‌توانند با همکاری بخش صنعت برای مسائل مهم کشور از جمله رفع کمبود انرژی برق و گاز با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله انرژی خورشیدی، بادی و آبی کمک کرده و راهکار ارائه دهند.
دکتر پزشکیان با اعلام آمادگی دولت برای ارائه هرگونه کمک و همکاری به برقراری ارتباط مؤثر و مفید میان صنعت و دانشگاه با هدف کمک به حل مشکلات و بحران‌های کشور، گفت: می‌توانیم در این مسیر از تجربیات بین‌المللی و همچنین ظرفیت مسئولیت‌های اجتماعی استفاده کنیم.

■■■

قالیباف:

در «نه جنگ نه صلح» نمی‌مانیم

رئیس مجلس در جلسه علنی روز گذشته که به صورت ترکیبی (حضوری و وبیناری) برگزار شد، در نطق پیش از دستور خود با اشاره به رونمایی از شهر جدید موشکی در روزهای اخیر اظهار کرد: این دستاورد ارزشمند که در حین جنگ و زیر آتش دشمن ایجاد شده، فراتر از یک دستاورد فنی و دفاعی و نمادی از تغییرات راهبردی در منطقه است.
رئیس مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: امروز نیروی هوافضای ترکیبی از تجربه جوانان با ایمان دهه ۴۰ و جوانان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ است. سازمانی که با تکیه بر سنت الهی، ناممکن‌ها را ممکن کرده و خواب را از چشمان رژیم سفاک صهیونیستی ربوده و به مردم مقاوم ایران و ملت‌های آزاده منطقه و جهان به خصوص کودکان مظلوم فلسطینی، امید و عزت بخشیده است.
قالیباف با بیان این‌که براساس دستاوردها و مجاهدت‌های این نیرو و همه نیروهای مسلح کشورمان، در وضعیت نه جنگ و نه صلح نخواهیم ماند و برای ما مطلقا مهم نیست که آمریکا می‌خواهد مذاکره کند یا جنگ، اظهار کرد: اگر هفت شرط منطقی ما که نتیجه مجاهدت‌های ملت ایران است را بپذیرند، مسیر توافق باز است اما اگر این بار آمریکا خطایی کند، جغرافیای نبرد را، توان و اراده نیروهای مسلح ایران تعیین خواهند کرد، نه خواست و اراده آنها و دود جنگ جدید به چشم خیلی‌ها خواهد رفت.
رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنانش با بیان این‌که اصلی‌ترین نبرد ما در کنار میدان نظامی، میدان تولید و معیشت مردم است، یادآور شد: تورم، بیکاری و نوسانات قیمت، مسائلی نیستند که با سخنرانی یا بخشنامه حل شوند. حفاظت تمام‌عیار از سفره مردمی که بیش از ۸ ماه مقابل یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ مقاومت کرده‌اند، کمترین و بدیهی‌ترین وظیفه همه ما مسئولان است.

■■■

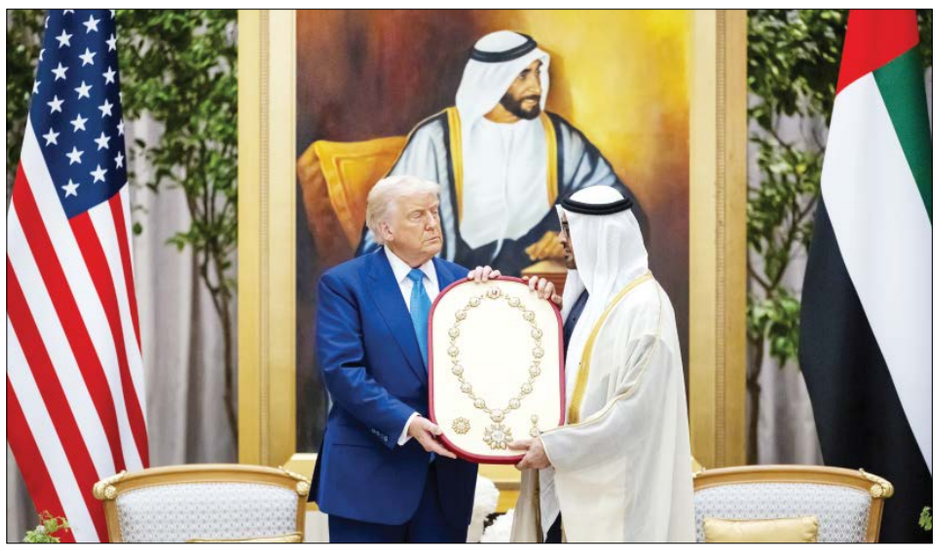
سخنگوی وزارت امور خارجه:

اخلال در عملکرد آژانس در ایران نتیجه تجاوز آمریکاست

سخنگوی وزارت امور خارجه روز گذشته در نشست هفتگی با خبرنگاران در پاسخ به سؤال جام جم مبنی بر درخواست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر بازگشت بازرسانش به ایران، گفت: آژانس نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن تاریخچه این مسأله، چنین خواسته‌ای را از ایران مطرح کند. خود آژانس در گزارشش اذعان کرده است که تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی شرایط بی‌سابقه‌ای را ایجاد کرده و این وضعیت باعث شده است دسترسی آژانس به تأسیسات هسته‌ای ایران مختل شود.
اسماعیل بقایی افزود: آژانس باید تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد یک نهاد مستقل فنی باشد یا همچنان تحت نفوذ آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی باقی بماند.
وی گفت: واقعیت این است که مسأله‌ای که با آن مواجه هستیم، اخلال در فعالیت‌های آژانس در ایران است که نتیجه مستقیم حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران و همچنین رفتار غیرمسئولانه آژانس در قبال این تحولات است.

تهران بر اساس حقوق بین‌الملل و مستندات دقیق اطلاعاتی و میدانی
می‌تواند میزان مشارکت هر یک از متحدان منطقه‌ای آمریکا در تجاوز علیه ایران را
تفکیک و سهم هر کدام را از پرداخت غرامت به‌طور مشخص به نام خودشان ثبت و مطالبه کند

وقت غرامت از شرکای متجاوز



نشست خبری این هفته وزارت امور خارجه، حال‌وهوای متفاوتی داشت. اسماعیل بقایی، سخنگوی دستگاه دیپلماسی وقتی پشت تریبون قرار گرفت و با پرسش خبرنگاران درباره ادعای تازه کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس برای دریافت غرامت از ایران روبه‌رو شد، تعارفات مرسوم دیپلماتیک را کنار گذاشت و بالحنی که هم رگه‌هایی از طعنه داشت و هم صراحتی طلبکارانه، توپ را مستقیم به زمین همسایگان جنوبی انداخت و خطاب به دبیرکل شورای همکاری خلیج‌فارس گفت: «زخم‌های کهنه را نیشتر نزنید؛ ما حمایت شما از صدام‌حسین را فراموش نکرده‌ایم، چطور می‌توانید از ما طلب غرامت کنید؟» بقایی بی‌پرده تأکید کرد که همه موارد مشارکت کشورهای منطقه در کمک به آمریکا و رژیم صهیونیستی مستندسازی شده و از مجاری دیپلماتیک به گوششان رسیده است؛ او در نهایت تیر خلاص را زد: «این ما هستیم که مطالبه غرامت داریم.» این واکنش تند و بی‌سابقه تهران، پاسخی مستقیم به نمایش سیاسی بود که جاسم‌البدیوی، دبیرکل شورای همکاری خلیج‌فارس، روز جمعه ۲۲ آبان در صحن شورای امنیت سازمان ملل راه انداخت. البدیوی در حالی که چهره یک قربانی بی‌گناه به خود گرفته بود، مدعی شد از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ تاکنون بیش از ۷۰۰۰ موشک و پهپاد به سمت کشورهای عضو این شورا شلیک شده و به فرودگاه‌ها، بنادر، تأسیسات نفت و گاز، نیروگاه‌ها و آب‌شیرین‌کن‌هایشان آسیب زده است. او با فراموشی کامل آنچه در ماه‌های گذشته بر سر مردم ایران آمده، نه‌تنها خواهان پرداخت غرامت کامل از سوی تهران شد، بلکه شرط گذاشت هرگونه توافق آینده باید پرونده موشکی، پهپادی و هسته‌ای ایران را هم زیر تیغ ببرد. اما در این روایت یک‌طرفه و پر از تناقض، یک حقیقت عریان به‌عمد زیر فرش زده شده است. کشورهایی که در دو نبرد سرنوشت‌ساز «جنگ دوازده‌روزه» و «جنگ رمضان» عملا به عقبه لجستیکی و سکوی پرتاب ارتش آمریکا و جنگنده‌های رژیم صهیونیستی تبدیل شدند، با کدام منطق و وجدان حقوقی خود را کشورهای بی‌طرف و قربانی جا می‌زنند؟ آنچه امروز در شورای امنیت می‌گذرد، نه یک مطالبه حقوقی، بلکه تلاشی ناشیانه برای عوض کردن جای شاکی و متهم و فرار از پرداخت هزینه‌هایی است که حاکمان حاشیه خلیج‌فارس با قمار روی امنیت منطقه به بار آورده‌اند.

از دلارهای صدام تا آسمان اجاره‌ای در جنگ‌ها

برای درک عمق وقاحت سیاسی در بیانیه اخیر شورای همکاری خلیج‌فارس، نیازی نیست خیلی به عقب برگردیم اما مرور تاریخ نشان می‌دهد این الگوی رفتاری در میان شیوخ منطقه ریشه‌ای قدیمی دارد. همان دولت‌هایی که در دهه شصت با دلارهای نفتی و باز کردن بنادر خود، ماشین جنگی صدام را علیه شهرهای ایران سرپا نگه داشتند، در ماه‌های اخیر نیز دقیقا همان سناریو را با بازیگران جدید تکرار کردند. تفاوت اینجاست که این بار، ایرانِ امروز دیگر آن کشور تنها و دست‌بسته دهه شصت نیست که فاکتور دشمنی همسایگانش را به حساب تاریخ بگذارد و بگذرد.
گزارش‌های معتبر بین‌المللی، از جمله بررسی‌های دقیق مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی (IISS)، دیگر جایی برای انکار و حاشا باقی نگذاشته است. براساس این مستندات، بحرین، کویت، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در مقاطع حساس نبردهای اخیر، نه‌تنها پشتیبانی پایگاهی و سوخت‌رسانی به ناوگان مهاجم را بر عهده داشتند، بلکه خاک، آب‌ها و حریم هوایی خود را به‌طور کامل در اختیار عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران قرار دادند. وقتی هواپیماهای سوخت‌رسان از پایگاه‌های عربستان بلند می‌شوند، وقتی پهپادها و موشک‌ها از خاک کویت و بحرین به سمت زیرساخت‌های ایران شلیک می‌شوند و وقتی امارات در میانه نبرد عملا به میدان می‌آید، دیگر صحبت از «بی‌طرفی» بیشتر به یک شوخی تلخ شبیه است.
دردناک‌تر از همه، ردپای مستقیم همین همکاری‌ها در جنایات علیه غیرنظامیان ایرانی است. فاجعه مدرسه میناب و داغی که بر دل خانواده‌های ایرانی نشست، محصول همین آسمان‌های اجاره‌داده‌شده و پایگاه‌هایی بود که اعراب حاشیه خلیج‌فارس با دست خود در اختیار متجاوزان گذاشتند. جالب آن‌که مقامات آمریکایی در اوج غرور، خودشان بارها به این همکاری‌ها اعتراف کرده و از میزبانی این کشورها تقدیر به عمل آورده‌اند. حالا همین کشورها، وقتی با پاسخ کوبنده و دقیق ایران به مبدأ حملات روبه‌رو شده‌اند، فریاد «وا مصیبتا» سر داده و انتظار دارند تهران هزینه تخریب پایگاه‌های آمریکا را در خاکشان بپردازد.

تقسیم فاکتور خسارت؛ حقوق بین‌الملل چه می‌گوید؟

در برابر این فضاسازی رسانه‌ای و سیاسی، دستگاه دیپلماسی و حقوقی ایران دست بسیار پری دارد. همان‌طور که اسماعیل بقایی و غلامحسین درزی، معاون نماینده دائم ایران در سازمان ملل، به‌درستی انگشت روی نقطه کلیدی گذاشتند، قوانین بین‌المللی در این زمینه هیچ ابهامی ندارند. طبق بند «و» از ماده ۳ ضمیمه قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (تعریف تجاوز)، اقدام هر کشوری که سرزمین خود را در اختیار کشور دیگری قرار دهد تا از آن برای ارتکاب عمل تجاوز علیه کشور ثالث استفاده شود، خود مصداق بارز «تجاوز» و «همدستی در جنایت» است.
بر همین اساس، استدلال حقوقی تهران کاملا مستحکم است: اقدامات نظامی ایران هیچ‌گاه علیه حاکمیت ملی یا تمامیت سرزمینی همسایگان نبوده، بلکه دقیقا در چارچوب ماده ۵۱ منشور ملل متحد و حق ذاتی دفاع مشروع، منشأ و مبدأ حملات- یعنی پایگاه‌ها و دارایی‌های نظامی آمریکا- را هدف قرار داده است. کشوری که خاکش را به پادگان ارتش مهاجم تبدیل می‌کند، به‌طور خودکار مصونیت بی‌طرفی خود را از دست می‌دهد و مسئولیت تمام تبعات ناشی از پاسخ دفاعی طرف مقابل، مستقیما متوجه خودش است.
اما ماجرا نباید به همین دفاع حقوقی ختم شود. تجربه نشان داده هر زمان تهران در برابر زیاده‌خواهی‌های منطقه‌ای کوتاه آمده یا خسارت‌هایش را دست‌کم گرفته، طرف مقابل گستاخ‌تر شده است. امروز زمان آن است که ایران از موضع تدافعی خارج شود و پرونده غرامت را به‌صورت رسمی و با اعداد و ارقام دقیق روی میز بگذارد. برآورد خسارات مستقیم به زیرساخت‌ها، آسیب‌های انسانی و عدم‌النفع اقتصادی ناشی از جنگ‌های تحمیلی اخیر، ارقامی در مقیاس صدها میلیارد دلار است. تهران می‌تواند و باید براساس مستندات دقیق اطلاعاتی و میدانی، میزان مشارکت هر یک از کشورهای بحرین، کویت، عربستان و امارات را در تجاوز علیه ایران تفکیک کند و سهم هر کدام از این فاکتور سنگین را به‌طور مشخص به نام خودشان ثبت کند.

یادداشت

دکتر فاطمه مهاجرانی | سخنگوی دولت

مسئولانه‌تر مصرف کنیم

گاهی اهمیت یک داشته را زمانی بیشتر درک می‌کنیم که تداوم آن با دشواری روبه‌رو می‌شود. روشنایی خانه‌ها، گرمای کلاس‌های درس، فعالیت کارخانه‌ها و استمرار خدمات بیمارستان‌ها، بخش‌هایی چنان آشنا از زندگی روزمره ما هستند که کمتر به زنجیره گسترده‌ای از تلاش، سرمایه‌گذاری و منابع ملی در پشت آنها فکر می‌کنیم. انرژی در زندگی امروز زیرساخت جریان زندگی، تولید، آموزش، سلامت و توسعه کشور است. از همین رو، حفاظت از آن نیز موضوعی فراتر از خاموش‌کردن یک چراغ یا کاهش چند درجه‌ای دمای خانه است. سخن بر سر پاسداری از سرمایه‌ای است که امروز و فردای همه ما به آن وابسته است.
ایران کشوری برخوردار از منابع عظیم انرژی است، اما برخورداری از منابع طبیعی به‌تنهایی تضمین‌کننده پایداری تأمین انرژی نیست. آنچه اهمیت دارد، توانایی تبدیل این منابع به خدماتی پایدار، عادلانه و قابل اتکا برای همه شهروندان است. واقعیت این است که طی سالیان گذشته، فاصله میان ظرفیت تولید و میزان تقاضای انرژی افزایش یافته و ناترازی، به یکی از چالش‌های مهم اقتصاد کشور تبدیل شده است. این وضعیت حاصل یک عامل یا یک دوره مدیریتی نیست و نمی‌توان برای مسأله‌ای با چنین ابعاد گسترده، راه‌حلی ساده و فوری ارائه کرد.
امروز شرایط کشور نیز بر پیچیدگی این مسأله افزوده است. فشارهای خارجی، محدودیت‌های اقتصادی و آسیب‌هایی که جنگ به بخشی از زیرساخت‌های حیاتی کشور وارد کرده، ضرورت صیانت از منابع انرژی را بیش از گذشته آشکار ساخته است. بااین‌حال، نگاه دولت تنها معطوف به عبور از یک فصل سرد یا یک دوره محدود نیست. مسأله انرژی، مسأله آینده ایران است و تصمیم‌هایی که امروز درباره آن می‌گیریم، بر کیفیت زندگی نسل‌های بعد اثر خواهد گذاشت.
وقتی از صرفه‌جویی سخن می‌گوییم، منظورمان چشم‌پوشی از آسایش، محدود کردن نیازهای ضروری یا پذیرفتن کیفیت پایین‌تر زندگی نیست. برعکس، می‌خواهیم با استفاده درست‌تر از منابع موجود، امکان برخورداری پایدار از انرژی را برای همه حفظ کنیم. مصرف بهینه به معنای محرومیت نیست؛ به معنای جلوگیری از هدررفت سرمایه‌ای است که می‌تواند در خدمت رفاه بیشتر مردم قرار گیرد. می‌دانیم که تأمین گرمای خانه، روشنایی، پخت‌وپز و دیگر نیازهای روزمره، بخش طبیعی و ضروری زندگی خانواده‌هاست. همچنین می‌دانیم که امکانات همه خانوارها برای کاهش مصرف یکسان نیست. بسیاری از خانواده‌ها در ساختمان‌هایی زندگی می‌کنند که تجهیزات گرمایشی یا عایق‌بندی مناسبی ندارند و تغییر این شرایط نیز همیشه در توان اقتصادی آنان نیست. به همین دلیل، مسئولیت ما تنها درخواست صرفه‌جویی نیست؛ فراهم کردن شرایطی است که مصرف بهینه، آسان‌تر، کم‌هزینه‌تر و در دسترس‌تر شود. در کنار اصلاح زیرساخت‌ها، نوسازی تجهیزات فرسوده و افزایش بهره‌وری، همراهی مردم نیز می‌تواند نقشی مؤثر در عبور از شرایط کنونی داشته باشد. گاهی یک تغییر کوچک در شیوه استفاده از وسایل گرمایشی، تنظیم متعادل دمای محیط یا جلوگیری از روشن ماندن تجهیزات غیرضروری، در مقیاس یک خانه چندان بزرگ به نظر نمی‌رسد؛ اما همین انتخاب‌های کوچک، وقتی در میلیون‌ها خانه و محیط کار تکرار شوند، می‌توانند به کاهش فشار بر شبکه انرژی کشور کمک کنند. اهمیت این همراهی تنها در کاهش مصرف خلاصه نمی‌شود. انرژی‌ای که امروز از هدررفت آن جلوگیری می‌کنیم، می‌تواند به تداوم فعالیت واحدهای تولیدی، پایداری خدمات عمومی و حفظ فرصت‌های شغلی کمک کند. پشت روشن ماندن چراغ یک کارخانه، زندگی خانواده‌هایی قرار دارد که معیشت‌شان به استمرار تولید وابسته است. پشت تأمین پایدار انرژی یک بیمارستان، آرامش بیمارانی قرار دارد که به خدمات درمانی نیازمندند. بنابراین، مدیریت مصرف انرژی با زندگی همه ما پیوندی مستقیم دارد. مردم ایران در سال‌های گذشته، دشواری‌های بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند. از فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها تا روزهای سخت جنگ و نگرانی‌هایی که بر زندگی خانواده‌ها سایه انداخت. در همین روزهای دشوار نیز بارها شاهد بوده‌ایم که احساس تعلق به ایران و نگرانی برای سرنوشت مشترک کشور، چگونه به همراهی و همبستگی اجتماعی معنا بخشیده است. امروز نیز در موضوع انرژی، به همین احساس مسئولیت مشترک تکیه داریم. وقتی از مردم برای مدیریت مصرف دعوت به همراهی می‌کنیم، به‌خوبی آگاهیم که بسیاری از خانواده‌ها خود با محدودیت‌ها و دشواری‌های اقتصادی روبه‌رو هستند. از این‌رو، این همراهی را نه وظیفه‌ای یک‌طرفه، بلکه بخشی از تلاشی جمعی می‌دانیم که دولت در آن مسئولیتی گسترده و اساسی بر عهده دارد. دولت چهاردهم اصلاح ناترازی انرژی را از اولویت‌های مهم خود می‌داند. افزایش بهره‌وری، کاهش تلفات شبکه، توسعه ظرفیت‌های تولید، توجه به انرژی‌های تجدیدپذیر و اصلاح تدریجی ساختارهای ناکارآمد، از مسیرهایی است که برای بهبود شرایط دنبال می‌کنیم. می‌دانیم که آثار این اقدامات یک‌شبه ظاهر نمی‌شود، اما معتقدیم عبور پایدار از ناترازی، بدون اصلاحات زیربنایی ممکن نخواهد بود. در این مسیر، عدالت نیز برای ما اصلی اساسی است. خانواده‌ای که در منطقه‌ای سردسیر زندگی می‌کند، نیازهای متفاوتی با خانواده‌ای در اقلیم معتدل دارد. همچنین شرایط اقتصادی خانوارها و کیفیت ساختمان‌ها و تجهیزات آنان یکسان نیست.
تلاش ما این است که در سیاست‌گذاری‌های انرژی، این تفاوت‌ها دیده شود و نیازهای ضروری زندگی مردم، به‌ویژه اقشار کم‌درآمد، مورد توجه قرار گیرد. ما بر این باوریم که مدیریت مصرف انرژی زمانی به یک رفتار پایدار اجتماعی تبدیل می‌شود که مردم آثار آن را در زندگی خود و در وضعیت کشور مشاهده کنند. به همین دلیل، دولت مسئولیت دارد درباره شرایط موجود، اقدامات انجام‌شده و نتایج برنامه‌های اصلاحی، با مردم روشن و صادقانه سخن بگوید.
می‌دانیم که دعوت به صرفه‌جویی، در شرایطی که خانواده‌ها با دغدغه‌های معیشتی روبه‌رو هستند، باید با درک واقعیت زندگی آنان همراه باشد. به همین سبب، در کنار اقدامات کوتاه‌مدت برای مدیریت مصرف، مسیر بلندمدت اصلاح زیرساخت‌ها و بهبود بهره‌وری را نیز دنبال می‌کنیم تا کشور در سال‌های آینده کمتر با محدودیت‌های تکرارشونده روبه‌رو شود.
ما به همراهی مردم امیدواریم؛ همان مردمی که در روزهای دشوار، بارها نشان داده‌اند منافع ملی و آینده ایران برای‌شان اهمیت دارد. امروز نیز هر اقدامی برای کاهش مصرف غیرضروری، می‌تواند سهمی در حفظ پایداری شبکه انرژی و استمرار فعالیت بخش‌های حیاتی کشور داشته باشد. در نهایت، هدف همه این تلاش‌ها روشن است: ایرانی که خانه‌هایش گرم، چراغ کارگاه‌ها و کارخانه‌هایش روشن، خدمات عمومی‌اش پایدار و مسیر توسعه‌اش هموار باشد. این آینده، با تصمیم‌های درست، اصلاحات اساسی، استفاده هوشمندانه از منابع و همراهی آگاهانه جامعه ساخته می‌شود. سهم دولت، فراهم کردن زیرساخت‌ها و انجام اصلاحات ضروری است و همراهی مردم نیز می‌تواند به اثربخشی این تلاش‌ها کمک کند.
صرفه‌جویی قرار نیست سهم مردم از زندگی را کوچک‌تر کند؛ بلکه قرار است سهم فردای ایران از منابع امروز را حفظ کند.

یادداشت

حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی | عضو هیأت رئیسه مجلس

الزامات و موانع قوی‌تر شدن ایران

در خصوص بیانیه چند روز اخیر مجلس خبرگان رهبری و تاکید بر تغییر دکترین دفاعی کشور باید گفت ما باید براساس ضرورت‌های ایجاد شده، در سیاست‌های خود تجدیدنظر کنیم. وقتی از حقوقی که در چارچوب پیمان NPT برای ما در نظر گرفته شده، بهره‌مند نمی‌شویم، طبیعتا باید در این سیاست‌ها بازنگری کنیم.
در قالب انواع توافقنامه‌های در چارچوب این پیمان بیشترین (بیش از ۷۰ درصد) بازرسی‌های آژانس سازمان بین‌المللی انرژی اتمی از ایران صورت گرفته است؛ به‌طوری که بازرسی‌ها مربوط به ایران است، در حالی که بیش از ۴۰۰ رآکتور اتمی در جهان وجود دارد ایران صرفا یک رآکتور اتمی برای تولید برق دارد. چطور ممکن است کشوری که فقط دو رآکتور در اختیار دارد، با چنین حجم گسترده‌ای از بازرسی‌ها مواجه شود؟ این مسأله نشان می‌دهد رویکرد آژانس نسبت به ایران، صرفا فنی نبوده است.
وقتی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها به مجموعه هسته‌ای ایران حمله کردند، چرا آژانس این حملات را حتی به‌صورت زبانی محکوم نکرد؟ براساس مفاد خود NPT یعنی ماده ۴ و ماده ۱۰، ما حق خروج از این پیمان را داریم. وقتی به حقوق ما عمل نشود و منافع ما به سادگی مورد آسیب قرار بگیرد، بنابراین خروج از این پیمان مورد زایدی نیست بلکه در حقی است که خود آن این مسأله را برای ما ایجاد کرده و روی میز ایران است.
بنابراین، یکی از حقوق ما این است که براساس ماده ۱۰ پیمان NPT از آن خارج شویم. ماده ۱۰ این پیمان به‌صراحت به این مسأله اشاره دارد. ماده ۴ نیز همچنان برای ما مطرح است و ما حتما در این راستا تصمیمات لازم را اتخاذ خواهیم کرد.
موضوع مرتبط دیگر در این حوزه بحث توسعه حوزه جغرافیایی جنگ و برد موشکی ایران است. قرار نیست ایران دربرابر دشمنان سفاکمان که تشنه کشتن غیرنظامیان و به طور خاص کودکان است، صبر داشته باشد. امروز که دشمن اعتراف می‌کند صرفا از اروپا بیش از ۷۰ سورتی پرواز برای بمباران مراکز علمی، دانشگاهی، خانه‌های مردم و زیرساخت‌های ما انجام داده است، حتما باید در قالب راهبرد سرکوب مبادی حمله و در چارچوب حق، مقابله به مثل کنیم. منشور سازمان ملل متحد نیز این حق را برای ما به رسمیت شناخته است. بنابراین، در این حوزه نیز حتما تجدیدنظر خواهیم کرد. البته در این زمینه‌ها، حتما با اجازه مقامات عالی نظام و در صورتی که صلاح کشور باشد و شرایط آن تأیید شود. ما برای این‌که بتوانیم از حقوق خود بهره‌مند شویم و آنها را استیفا کنیم، چاره‌ای جز قوی شدن نداریم.

یادداشت

دکتر غلامرضا خواجی | عضو هیأت علمی دانشگاه

تحلیل رویکرد ایالات متحده در قبال ایران

ایالات متحده در پی اتخاذ یک استراتژی محتاطانه در برابر ایران است. این رویکرد بر محورهای زیر استوار است:
۱. فشار اقتصادی مستمر: تداوم و تشدید تحریم‌های نفتی، بانکی و مالی، در کنار اعمال محدودیت‌های دریایی در تنگه هرمز با هدف کاهش درآمدهای ارزی ایران. رویکرد فعلی بر «صبر راهبردی» تاکید دارد تا بدون نیاز به اقدامات نظامی مستقیم، اثرگذاری تحریم‌ها را به صورت تدریجی افزایش دهد.
۲. احتیاط در تقابل نظامی: با وجود حضور نظامی برای بازدارندگی، تمایلی به آغاز تنش‌های نظامی جدید مشاهده نمی‌شود. گزارش‌ها حاکی است مدیریت فعلی، ضمن حفظ آمادگی، از ورود به یک درگیری گسترده خودداری می‌کند.
۳. گذار از مدل توافق‌محور: رویکرد کنونی به سمت «پایان بحران بدون توافق رسمی» متمایل است؛ به طوری که تمرکز بر استفاده از اهرم‌های موجود (مانند دارایی‌های مسدود شده) است تا بازگشت به میز مذاکرات گسترده. با این حال، این استراتژی با چالش‌های جدی روبه‌روست. پایداری و آمادگی ایران برای مدیریت بحران‌های طولانی‌مدت و فرامنطقه‌ای، محاسبات واشنگتن را با دشواری مواجه کرده است. علاوه بر این، موضع صریح مقامات ایرانی و تغییر در فضای سیاسی داخلی آمریکا، مانور قدرت تجمعات مردمی، فضای حرکت ترامپ را محدود کرده است.
در واقع، آمریکا در موقعیتی دشوار قرار گرفته است؛ از یک سو تهدید به استفاده از سلاح‌های تاکتیکی که می‌تواند منجر به ناآرامی‌های گسترده در منطقه و بی‌ثباتی کشورهای عربی شود و از سوی دیگر، خطر شکست در یک جنگ کوتاه که منجر به تحقیر سیاسی و از دست رفتن اعتبار بین‌المللی ایالات متحده گردد. در نهایت، ترامپ میان فشار دیپلماتیک/اقتصادی و خطر ورود به گرداب درگیری‌های بی‌سرانجام، در حال تقلا برای حفظ وجهه سیاسی خود است.